



بانو الهه پوستی باور دارد که کتابخوانی، زندگی زنان را دگرگون می‌کند

در میان کلمات زندگی کردم

پزشکی قبول شد. این همان تأثیر کتابداری است که گفتم: مراجعه‌کننده را درک کند و بفهمد چه نیازی دارد. خیلی وقت‌ها افرادی که به کتابخانه مراجعه می‌کنند برای مطالعه کتاب از ما راهنمایی می‌خواهند. اگر این راهنمایی خوب و مناسب باشد، حتما در تداوم کتابخوانی افراد نقش مؤثری دارد. کتابداری شغلی است که در آن باید مهربان باشی و حوصله داشته باشی و کتاب‌ها را هم خودت خوانده باشی و خوب آن‌ها را بشناسی تا بتوانی به دیگران معرفی و پیشنهاد کنی.»

✚ مثل دفترچه بیمه است

او رسانه‌ها را در کاهش میل به کتاب بی‌تأثیر نمی‌داند و بخشی از کاهش کتاب‌خوان‌ها را به گردن تلفن‌های همراه می‌اندازد. «رسانه‌ها، فضای مجازی و گوشی‌های موبایل روی خواندن خیلی تأثیر گذاشته و آن را کم کرده‌اند. متأسفانه شبکه‌های بیگانه فرهنگی را به بچه‌ها آموزش می‌دهند که هیچ اصالت و هیچ ارتباطی با ما و سبک زندگی ما ندارد. به نظرم کارت عضویت کتابخانه مثل دفترچه بیمه است که هر مشکلی داشته باشی با استفاده از آن و به امانت گرفتن کتاب و مطالعه، می‌توانی آن مشکل را حل کنی. باید پای مردم به کتابخانه‌ها باز شود زیر کتاب مشکل‌گشای همه چیز است. ما کتاب بد نداریم. همه کتاب‌ها را باید خواند. البته با مطالعه کتاب‌های زیاد، در نهایت آدم به کتاب‌شناسی می‌رسد و با ورق زدن یک کتاب متوجه می‌شود آن کتاب تا چه اندازه می‌تواند محتوای خوبی داشته باشد. به قول ما، چشمی می‌توان حدس زد که کتابی چه اندازه مفید است. البته ما کتابدارها علاوه بر اینکه با کتاب‌ها زندگی کرده‌ایم، دوره‌های کتاب‌شناسی را هم گذرانده‌ایم که در این دوره‌ها آموزش‌هایی تخصصی درباره کتاب‌ها به ما ارائه شده است. ما به واسطه شغلی که داریم در سراسر مدتی که سرکار هستیم کتاب می‌خوانیم و با کتاب سروکار داریم مثل یک کارمند بانک که اول تا آخر ساعت کاری با پول در ارتباط است.»

✚ باید حتما با کتاب ارتباط داشته باشید

خانم پوستی در آخرین سال‌های کاری برای بعد از بازنشستگی نیز به جدایی از کتاب فکر نمی‌کند. «کسی که با کتاب انس بگیرد هیچ وقت نمی‌تواند از آن جدا شود. زندگی زنان به خصوص با کتاب خواندن متحول می‌شود و توصیه می‌کنم برای فرار از رخوت در زندگی کتاب بخوانند. کتابخانه را هیچ وقت نمی‌توان فراموش کرد. من هم بعد از بازنشستگی اگر قرار باشد سراغ کاری بروم، آن کار باید حتما با کتاب ارتباط داشته باشد. شاید هم سراغ نوشتن بروم. مقاله زیاد نوشته‌ام ولی کتاب هنوز ننوشته‌ام. دوست دارم این کار را انجام دهم. البته

پسرم مجموعه کتاب‌هایی درباره اصول تربیتی نوجوانان نوشته که اول کتاب‌هایش آورده است: تقدیم به مادرم که من را با کتاب آشنا کرد.»

بوی کتاب شبیه بوی اول مهر است، شبیه بویی نو. از کتاب خسته نمی‌شوی و پیوسته اشتیاق ورق زدن آن را داری. بوی کتاب بوی تازگی است و کتابخانه شبیه جایی مثل جنگل که در میان قفسه‌های آن می‌خواهی نفسی عمیق بکشی و دانه‌دانه کتاب‌ها را در پی یافتن نوپرانه زیرورو کنی. بوی کتاب شبیه بوی زندگی است که اگر جریان نداشته باشد، جریان نخواهی داشت. قرار ملاقات ما می‌شود کتابخانه برای دیدار با یک کتابدار کتاب‌دوست، بانویی که ۲۶ سال است با کتاب‌ها زندگی می‌کند و آن قدر با آن‌ها زیسته است که دست‌هایش بوی کتاب می‌دهد، بوی همان تازگی. الهه پوستی که این روزها آخرین روزهای کاری‌اش را تا بازنشستگی در کتابخانه می‌گذراند، از سال ۷۴ در کتابخانه فردوسی به عنوان کتابدار مشغول به کار است. او تجربه کتابداری در کتابخانه‌های علامه طباطبائی و ثار... را دارد و در کتابخانه‌های هجرت و شهید مفتاح، مسئولیت کتابخانه را بر دوش داشته است. اکنون او در کتابخانه هجرت به عنوان کتابدار فعالیت می‌کند.

✚ هیچ وقت تاریخ انقضا ندارند

نگاهش به کتاب مانند نگاه به یک دوست است، دوستی خوب که همیشگی است. از همان اول به کتاب خواندن علاقه داشتم. کتاب‌ها دوستان خوبی هستند که هیچ وقت تاریخ انقضا ندارند و هیچ وقت هیچ دلخوری‌ای بین شما و آن‌ها به وجود نمی‌آید. دیپلم علوم انسانی را که گرفتم، در دانشگاه کتابداری خواندم. آن زمان شرایط استخدامی به این شکل بود که باید به ادارات نامه درخواست می‌زدیم. من هم برای آموزش و پرورش، مخابرات و کتابخانه درخواست دادم که در نهایت با مشورت همسر، کتابخانه و کتابداری را انتخاب کردم. ابتدای خدمت در کتابخانه فردوسی مشغول بودم. آن زمان در دفترهای بزرگی که نصف میز مطالعه بود، مشخصات بچه‌ها را یادداشت می‌کردیم. حافظه‌ام آن قدر خوب بود که اسم و شماره عضویت بچه‌ها را حفظ بودم و کارت‌هایشان را نگاه نمی‌کردم ولی اکنون حافظه‌ام دیگر به آن اندازه همراهی نمی‌کند. ما نسلی از کتابدارها بودیم که تغییرات فناوری را در کتابخانه‌ها به خوبی دیدیم: اول با دفتر و دستک! بعد همه کارها با کارت بود. الان هم که همه چیز الکترونیکی شده است. زمانی که کتابخانه مفتاح بودم، شیوه کارتی تازه شروع شده بود و شناسنامه همه کتاب‌ها باید وارد سیستم می‌شد. به نظرم نسل کنونی کتابدارها خیلی خوشبخت هستند که هم با شرایط بهتری گزینش می‌شوند هم همه چیز در بسترهای الکترونیکی آماده است.»

✚ با افتخار می‌گویم کتابدارم

زندگی با کتاب همه جوانب زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سکوت کتابخانه در رفتارهای او کاملاً مشهود است. «کتابداری روی همه جوانب زندگی اثر می‌گذارد و آداب معاشرت آدم تغییر می‌کند. حتی هدیه‌هایی هم که می‌دهم کتاب هستند. هر جا می‌روم با افتخار می‌گویم کتابدارم و به کتاب عشق می‌ورزم زیرا امکان ندارد فردی در این دنیا باشد که به کتاب احساسی نداشته باشد. حتی یک بچه چهار پنج ساله هم وقتی از کنار ویتترین کتاب‌فروشی رد می‌شود برمی‌گردد و به کتاب‌ها نگاه می‌کند. کشش کتاب معجزه‌آسا است. حتی وقتی سفر می‌روم، دلم برای کتابخانه تنگ می‌شود. به نظرم آرامش اینجا را هیچ جای دنیا ندارد.»

✚ برای گرفتن کتاب صف می‌کشیدند

خاطرات زیادی از کتابخانه و کتابداری دارد. بهترین خاطرات او از کتاب‌خوان‌هایی است که این روزها کم شده‌اند. «اوایل خدمت از بس تعداد کتاب‌هایی که به امانت می‌بردند زیاد بود نیم ساعت آخر کار را تعطیل می‌کردیم تا کتاب‌ها را در مخزن بگذاریم و جایه‌جا کنیم. حتی یادم هست که برای گرفتن کتاب صف می‌کشیدند ولی الان متأسفانه آمار کتاب‌خوان‌ها کم شده است. آن زمان به همکارانم می‌گفتم اگر یک قرقره نخ به من بندید تا ظهر تمام می‌شود بس که این طرف و آن طرف می‌رفتم و تعداد متقاضی زیاد بود. اکنون هنوز هم کتاب خوب داریم ولی کتاب‌خوان خوب کم داریم. هدف کتابخانه‌ها باید ترویج کتابخوانی باشد و به نظرم کتابدارها می‌توانند نقش مؤثری در ایجاد انگیزه و جذب کتاب‌خوان داشته باشند. برخورد خوب، مشورت دادن و درک شرایط مراجعه‌کنندگان خیلی مهم است. زمانی که در کتابخانه فردوسی بودم، عضوی داشتیم که لکنت زبان داشت. به سختی می‌توانست صحبت کند و از این بابت همیشه خجالت می‌کشید. یک بار که آمده بود کتابخانه، کتابی درباره لکنت به او دادم و گفتم این کتاب را هم بخواند. خوشحال شده بود که کتابی در این زمینه وجود دارد و خودش تنها کسی نیست که چنین مشکلی دارد. همان پسر

۲شنبه
۲۹ فروردین ۱۴۰۱
۱۶ رمضان ۱۴۴۴ شماره ۳۶۵

(۸)

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب‌امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرعامل:
سیدمیثم موسوی مهر
سرمدیر:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه:
حمیده وحیدی
صفحه‌آرایی و گرافیک:
ملک جمعی

